

بررسی پراکندگی جغرافیایی بهائیان در مازندران عصر پهلوی

مهدی محمودی چراتی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران

رمضان صیقل

استادیار گروه تاریخ، واحد نور، دانشگاه آزاد اسلامی، نور، ایران

امامعلی شعبانی

دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه مازندران، بابلسر، ایران

سیدعلی اکبر عباس پور

استادیار گروه تاریخ، اسلامی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱، سال ۱۸ شماره ۶۹- صفحه ۹۱-۶۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۲۱

چکیده

مازندران همواره به عنوان یکی از کانونهای اصلی زندگی و فعالیت بهائیان در سطح کشور و در عصر پهلوی مطرح بوده است. نقش و تاثیر بهائیان مازندران در سطح ملی و نیز وجود موسسات و تشکیلات بهایی و نیز پشتوانه های مالی این فرقه در این منطقه بر این جایگاه و اهمیت صحنه می گذارد. در همین راستا پژوهش با طرح این سؤال اساسی که پراکندگی جغرافیایی بهائیان در مازندران عصر پهلوی چگونه بود؟ به روش توصیفی- تحلیلی دریافته است که عمدتاً شهرهای میانی یعنی ساری، بابل، بابلسر، بهنمیر) و قائمشهر شاهی) به عنوان کانون اصلی جمعیتی و متعاقباً فعالیت فرقه بهائیت در دوره پهلوی مطرح بوده است. این مساله نمی تواند با موقعیت سیاسی، مذهبی- اجتماعی و نیز اقتصادی این شهرها بیگانه باشد. علاوه بر این نور و نیز تنکابن (شهرسوار) جمعیتی از تعدادی از بهائیان را در خود جای داده بود. نور بدان علت که موطن اجدادی بهاء الله بوده و بعدها نه صرفاً به عنوان روستایی مقدس، بلکه به عنوان مامنی برای رهبران فرقه مورد استفاده بوده است. تنکابن و با شهر تابعش رامسر نیز به علت تبدیل آن به شهری با صبغه درباری و به علت استقرار کاخها و تفریح گاههای متعلق به خاندان سلطنت و نیز درباریان، دارای جایگاه مهمی در تاریخ بهائیت بوده است. ضمناً اهمیت و جایگاه این شهرها در تاریخ فرقه مذکور با پیشینه تاریخی، جمعیت، دایره نفوذ، وجود مراکز آموزشی و... قابل تحلیل خواهد بود.

واژه گان کلیدی: بهائیت، مازندران، عصر پهلوی، پراکندگی جغرافیایی

مقدمه

مازندران همواره به عنوان یکی از کانونهای مهم جمعیتی و بالطبع زندگی و فعالیت بهائیان در طول تاریخ شهرت داشته است. در همین راستا ارتباط تنگاتنگ وقایعی چون قرار گرفتن زادگاه بهاء الله در نور مازندران، نقش مهم بهایی های مازندران در حوادثی چون حضور در واقعه طبرسی و بدشت، پناه دادن به گریختگان بهایی سراسر کشور، فعالیت رهبران بهایی از جمله قدوس در مازندران و دهها علت دیگر خود موجب گردید تا این منطقه در منظومه فکری رهبران بهایی و نیز پیروان آن از اهمیت و جایگاه دو چندانی برخوردار باشد. این اهمیت با توجه به تحولات سیاسی عصر پهلوی، نقش آفرینی بهائیان در ساختار سیاسی قدرت و نیز خاستگاه مازندرانی پهلویها بیش از پیش مورد توجه بوده است.

حال پژوهش با طرح این پرسش بنیادین که پراکندگی جغرافیایی بهائیان در مازندران دوره پهلوی چگونه بود؟ به روش توصیفی-تحلیلی سعی بر کالبدشکافی موضوع و با استفاده از منابع معتبر علمی دارد.

در خصوص ادبیات یا پیشینه پژوهش نیز بایستی گفت علیرغم این که برخی کتب و مقالات عمدتا از سوی محققان بهایی و یا با گرایش نسبت به آنان و عمدتا در خارج از کشور - از جمله شقایق ایقانی (تاریخچه مدارس بهایی مازندران)، موژان مومن (مدارس بهایی در ایران)، و... - به نگارش درآمده است، لیکن این پژوهشها به علت رویکرد جانبدارانه اساسا محل نقد بسیاریاند. فقدان رویکرد کلان نیز از دیگر ضعفهای این گونه پژوهشها خواهد بود. پژوهشهای داخلی نیز متأسفانه چندان به این موضوع و به دلائل مختلف نپرداخته و صرفا به ارائه داده های پراکنده و در ذیل تاریخ شهرهای مازندران اکتفاء کردند. لذا پژوهش در نوع خود بر وجوه ابتکاری دلالت دارد. گرچه موانع و چالشهای پژوهش در این عرصه و در ابعاد و زمینه های مختلف نیز به طور جد خودنمایی می کند.

پژوهش به لحاظ زمانی، دوره حکومت پهلوی یعنی از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۵۷ شمسی را شامل می شود. به لحاظ محدوده جغرافیایی نیز مازندران این دوره را که عمدتا جزو استان دوم در تقسیمات سیاسی کشور قرار می گرفت، در بر می گیرد.

منابع و مآخذ و نیز اسناد تاریخی، مهمترین کانونهای جغرافیایی زندگی و فعالیت بهائیان در مازندران عصر پهلوی را به شرح ذیل ترسیم و تحلیل می نمایند:

گرچه تمرکز جمعیتی و متعاقبا فعالیت فرقه بهائیت در بابل عصر پهلوی قابل توجه است؛ لیکن گزارشات تاریخی از مرکزیت مازندران یعنی ساری از اهمیت ویژه این منطقه در تاریخ بهائیت گواهی دارد. در خصوص چگونگی ورود بهائیت به این شهر اطلاع دقیقی در دست نیست. البته منابع تاریخی از کشمکش های بین آنان با جامعه مسلمین به ویژه در جریان انقلاب مشروطه خبر می دهند که ادعا شده است به کشته شدن تعدادی از آنان که برخی شهرت اصفهانی داشته اند، منجر گردید (آیتی، ۱۳۴۲: ص ۶۶). منابع بهایی مدعی اند که در انجمنهای شهر ساری و در جریان مشروطه، تعدادی از بهائیان و در راسشان احسان الله خان از سران نهضت جنگل عضویت داشته اند (ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۲۴).

وجود سندی سری از ساواک بیانگر وجود محفل روحانی بهائی در ساری و در دهه پنجاه شمسی است. مطابق آن در یکی از جلسات محفل که با حضور اعضای اصلی محفل که اشخاصی با سمتهایی چون رئیس کار اداره کار و بیمه اجتماعی، دبیر دبیرستانهای ساری، کارمند اداره قند و شکر، کارمند شرکت تعاونی روستایی ساری و... برگزار گردید، در خصوص وضعیت پیروان فرقه بحث و بررسی صورت و در نهایت تصمیماتی جهت اجراء اتخاذ گردید. در آغاز منشی محفل نگرانی خود را از فاصله گرفتن یکی از اعضا و همسرش از فرقه بهائیت اعلان داشت و درخواست نمود تا یکی از اعضای محفل با آنان در این خصوص تماس بگیرد. جالب اینجاست که فرد مذکور از درجه داران ژاندارمری بوده است. سپس پیشنهاد گردید تا با اتخاذ سیاست مهاجرتی و اعزام بهائیان، به تقویت وضعیت جمعیتی بهائیان در روستاها و محلات یاری رسانده شود. در همین راستا اعلان گردید که با خرید زمین و احداث محل سکونت، دیگران تشویق به مهاجرت به روستاها و مناطق مورد توصیه محفل شوند (آرشیو موسسه پژوهشهای سیاسی، سند شماره ۶۰۸۶/۵، ۱۳۴۵/۱۰/۰۷).

ضمنا سند مذکور گزارش قابل توجهی از زوایای دیگری از جلسات و تصمیمات محفل روحانی بهایی ساری را انعکاس می دهد. در این جلسه که شخصی ناجی نام از محفل تهران حضور داشت، به پیشرفت های تبلیغ بهایی، نتایج مهاجرت بهائیان به نقاط بکر و نیز ضرورت تبلیغ دسته جمعی و انفرادی اشاره شده است. همچنین تاکید گردید مهاجرت و تبلیغ از وظیفه اولیه هر بهائی برای اجرای سیاستهای فرقه است. ضمنا با ذکر پیشرفت های فرقه در شیراز و مشهد، از بهائیان ساری خواست تا در امر تبلیغ فرقه مقاومت کنند. همچنین نماینده محفل تهران اعلان نمود که کلاس های حرفه آموزی از جمله نجاری، رادیو سازی، تعمیر یخچال و بخاری، قالیبافی و... توسط محفل بهایی در تهران برگزار می شود؛ تا از این طریق زمینه و بستر مناسبی را برای جذب جوانان مسلمان فراهم کند. وی در ادامه اظهار امیدواری کرد که این کلاسها در ساری نیز برگزار شود. ضمنا موضوع اختلاف بین دو برادر بهایی در محله آزادگله ساری مطرح و در نهایت تصمیم گرفته شد تا فردی به نام واحدی را که داوطلب مهاجرت به آن محله بود، را با تهیه امکانات اعزام نمایند (آرشیو موسسه پژوهشهای سیاسی: همانجا).

نه تنها شهر ساری، بلکه برخی از روستاهای آن به عنوان کانون جمعیتی بهائیت و در تاریخ معاصر ایران شهرت داشته اند. در راس آن می بایست به روستای کوهستانی ایول از توابع دهستان چهاردانگه اشاره کرد؛ روستایی سرسبز و با چشمه های فراوان که خود از نام آن به معنای «آب رها شده» هویدا است (مؤلف گمنام، بی تا: ص ۹۲).

برخی منابع بر این باورند که تبلیغ بهائیت در این روستا توسط واعظی به نام حسینعلی بلبل الذاکرین صورت پذیرفت. شخصیتی که ادعا شده است به علت صدای خوشش به دربار کامران میرزا نایب السلطنه راه یافت و البته پس از آشکار شدن تعلقات بهایی اش از منبر منع گردید. او سپس به ایول رفت و علاوه بر کار فلاحی، به تبلیغ این فرقه در بین اهالی پرداخت. ظاهرا حسینعلی مذکور دارای تحصیلات در معارف اسلامی بوده است (مومن، ۱۳۹۰: ص ۹۳). تاسیس مدرسه بهایی در روستای ایول و نیز منازعات متعدد و در عین حال شدید بین بهائیان و مسلمانان روستا در سالهای ۱۳۰۴، ۱۳۲۰ و در نهایت در سال ۱۳۵۷ هجری شمسی خود از اهمیت این روستا در تاریخ فرقه بهائیت و در سطح مازندران گواهی دارد (ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۹۴).

ماهفروزک روستایی در ده کیلومتری ساری که بر اساس آمارگیری سال ۱۳۵۵ هجری شمسی دارای تعداد ۱۵۲ خانوار و ۷۳۷ نفر جمعیت داشته، در تاریخ فرقه بهائیت حائز اهمیت خاصی بوده است. محتملا عبور جاده قدیم شاهی از ساری به بارفروش و تهران از قسمت شرق و جنوب این قریه موقعیت خوبی بدان می بخشیده است. منابع بر این باورند که بهائیت توسط ملاعلی جان ملقب به «علی اعلی» و از رهبران فرقه به این روستا برده شده است. چهره ای که گفته می شود پس از تحصیل در بارفروش، به همراه همسرش در روستاهای دیگر نیز دست به تبلیغ این فرقه زده است. البته اقدام تبلیغی وی واکنش علمای ساری را در پی داشت. در هر صورت منابع بهایی از نقش برجسته وی در تبلیغ و ترویج فرقه بهائیت در مازندران اواخر قاجاریه خبر می دهد. شاید بی علت نیست که بعدها ماهفروجک به عنوان روستایی مقدس (روستای مبارکه) و یکی از مراکز بهائیان شهرت یافت. گفته شده است در سال ۱۳۲۰ جمعیت بهائی این روستا، ۵۶۰ نفر اعلام شد (مومن، ۱۳۹۰: ص ۱۲۳). ضمنا به نظر می رسد نخستین کوشش ها برای تاسیس یک مدرسه بهائی در این روستا و توسط فرد مذکور صورت پذیرفت (ارباب، ۱۹۹۹: ص ۱۴۲-۱۴۳).

محتملا همسویی و متعاقبا حمایت های مادی و معنوی مالک ماهفروزک یعنی لطفعلی خان کلبادی معروف به سردار جلیل با این فرقه در تقویت موقعیتشان بی تاثیر نبوده است. گرچه منابع بهایی از این مالک بزرگ مازندرانی به عنوان بهایی و عضو محفل بهایی ساری یاد می کنند، لیکن تردیدهای جدی در خصوص این انتساب مطرح است (ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۱۱۵). ماهفروجک حوادث بسیاری را در نتیجه منازعات بین جامعه اسلامی با پیروان فرقه بهائیت در تاریخ ایران معاصر شاهد بوده است (در این خصوص ر.ک. به: همان: ص ۱۱۷).

اسناد تاریخی حکایت از وجود مدارس بهایی در ساری، ماهفروجک و ایول هستند که عمدتا توسط محافل بهایی اداره می شده است. ضمنا تعداد قابل توجهی از اسناد سالهای اواخر عصر قاجاریه بر اعتراضات عمومی نسبت به فعالیت تبلیغاتی آن با بهره برداری ابزاری از عرصه آموزش

گواهی دارد(در این خصوص ر.ک.به: ساکما(سازمان اسناد ملی ایران)، سند شماره ۸۰۳۷۳۴۱-۲۹۷).

در خاتمه این مبحث نیز بایستی به روستای کوچک کوهپایه ای روشنکوه در دهستان چهاردانگه از توابع ساری اشاره کرد که یکی از مراکز جمعیتی بهائیان و در عصر پهلوی بوده است(همان: ص ۱۴۹).

۲. بارفروش (بابل)

بابل و یا بارفروش تاریخی یکی از مهمترین و بزرگترین شهرهای مازندران اواخر قاجاریه و عصر پهلوی بوده است. نام آن خود از اهمیت و جایگاهش در عرصه اقتصادی-تجاری پرده بر می دارد(فرشباف ابریشمی، ۱۳۹۷: ص ۳۴). بارفروش برای رهبران فرقه بهائیت از اهمیت و جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است. این شهر زادگاه، محل قتل و مدفن محمد علی بارفروشی ملقب به قدوس بود. ضمناً برخی از پیروان آن پس از واقعه قلعه طبرسی به این شهر مهاجرت و البته برخی از آنان به فتوای علمای مذهبی بارفروش و در راسشان سعید العلماء بارفروشی کشته شدند(ملک خسروی نوری، ۱۳۰۰: ص ۱۴۳/۲). علاوه بر این حضور برخی از اهالی بارفروش در صحنه جنگ با قاجاریه و یا به عنوان پشتیبان اقدامات نظامی فرقه نیز بر این اهمیت و جایگاه این شهر در تاریخ بهائیت می افزوده است. لذا بی علت نیست که ایجاد محفل، تاسیس حظیره القدس و نیز دارالتبلیغ و حتی تاسیس مدارس پسرانه و دخترانه برای جذب و جلب مردم به فرقه بهائیت در نهایت اهتمام بوده است(ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۲۷۵).

اسناد و شواهد تاریخی بر فعالیت بهائیان در این شهر و در دوره پهلوی گواهی دارد. لذا بی علت نیست که یکی از جلوه های فعالیتهای انقلابی مردم این شهر در مخالفت و مبارزه با فرقه بهائیت خود را به نمایش می نهاده است. به ویژه آن که بابل - با صبغه مذهبی و علمی- همواره به عنوان یکی از شهرهای اثرگذار در نهضت امام خمینی(ره) نقش موتور محرکه را در فعالیتهای ضد رژیم پهلوی و به ثمر نشستن نهضت امام در شمال ایران به طور اعم و مازندران به طور اخص ایفاء کرده است. اسناد برجای مانده از سازمان امنیت و اطلاعات کشور(ساواک) در خصوص فعالیتهای و اقدامات ضد بهائی مردم این منطقه خود بر این ادعا صحنه می گذارد. ضمن آن که از فعالیتهای

فرقه در ابعاد و زمینه های مختلف سیاسی، مذهبی و اقتصادی و دایره نفوذ و تاثیرگذاری آن در سطح مازندران پرده بر می دارد (ر.ک.به: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۹۷: ص ۴۴/۱، ۶۸۸۱؛ ۳۲/۲، ۲۰۳؛ ۳۲۷/۵).

گزارشات رسمی ساواک که غالباً در طبقه بندی «سری» دسته بندی می گردید، از فعالیت گسترده بهائیان بابل در ابعاد و زمینه های مختلف حکایت دارد. به طور نمونه در یکی از این اسناد به جلسه ضیافت گونه محفل بهایی بابل در سالن حظیرة القدس (واقع در لرمحله) و با حضور ۱۵۰ نفر از بهائیان این شهر خبر می دهد. جلسه ای که بیشتر به گزارش فعالیتهای ماهانه، به اشتراک گذاری اخبارهای بهایی در سطح ایران و جهان، برنامه ریزی و تصمیم گیری در خصوص فعالیتهای محفل، ابلاغ دستورات رهبران ملی و جهانی و... سپری گردید. همچنین ضمن ارائه گزارش از بازدید شورای مرکزی محفل از محلات مختلف بهایی نشین بابل و نیز بیان ضروریتهای تشکیل کلاسهای آموزشی، از موانع و چالشهای پیش رو و به ویژه وجود و فعالیت ضد بهایی سازمانها و تشکیلات تبلیغات اسلامی ۱ در ایجاد تشکیک و تردید نسبت به این فرقه در اذهان عمومی و حتی بهائیان، مطالبی بیان گردید. ۲ علاوه بر این پیام جانسون رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به نامه بیت

^۱ . بابل همواره یکی از کانونهای ضد تبلیغ بهائیت در سطح شمال ایران و به ویژه به عنوان یکی از مراکز مهم فعالیت انجمن ضد بهائیت شهرت داشته است.

^۲ . این نگرانیها بیراه نبوده است. چون یکی از مکاتبات استانداری مازندران به وزارت کشور و مربوط به بیست و سوم آذرماه سال ۱۳۲۹ بیانگر فعالیت تبلیغی روحانی ای با نام سید محمد کشتیبان ساکن بابل دارد که در شهرهای بابل، آمل، محمود آباد، فریدونکنار، کیاکلا و بهنمیر به سخنرانی علیه فرقه بهائیت می پرداخته است. البته گرچه مقامات حکومتی سعی کردند وی را بیکاره و اهل اخاذی از بهائیان و حتی مسلمانان معرفی کنند، لیکن اعلامیه ۴۶ نفر از بزرگان استان از ایشان بر اتهام مقامات دولتی قلم بطلان می کشد. ضمناً روحانی مذکور در سخنرانیهای خود اعلان می کرد که جزو انجمن اسلامی است (ساکما) (سازمان اسناد ملی ایران)، سند شماره ۸۴۸/۳/۳۲۴۷۴/۳۳۰۵، ۱۳۲۹/۰۹/۲۳.

العدل [به سران جهان] مبنی بر تأیید این فرقه قرائت شد (ر.ک. به: آرشیو موسسه پژوهشهای سیاسی، سند شماره ۵/۱۰۵۳۱، ۲۰/۱۰/۱۳۴۶)

سند و در حقیقت گزارش سری مذکور از ساختار تبلیغی مفصل محفل بهایی بابل و حتی تبلیغ آن تا شهر گنبد^۳ و البته با اعتراف به سوء استفاده از مطالبات قومی ترکمنها^۴ خبر می دهد. نکته ظریف دیگر آن که جذب افراد با مشوقهایی مادی توأم بوده است. چنانچه منشی محفل بهایی در همان جلسه اعلان نمود که تلگرافی فوری از حیف و بیت العدل اعظم به دستش رسید که اعلان داشت بهایی ها می توانند تا ۶ روز در اسرائیل به طور رایگان مهمان بیت العدل باشند. در خاتمه این جلسه و پس از ذکر موفقیت‌های بهائیان در سطح جهانی و به ویژه پاریس و هندوستان در تبلیغ مذهبی^۵ و البته برای تقویت روحیه تضعیف شده بهائیان و غالباً آغشته به دروغ^۶، این گونه تصویب گردید که محفل بابل هفته ای یک جلسه با تشکیلات مهاجرت بهایی در هر هفته یک جلسه برگزار نماید. همچنین به ایجاد کلاس سوادآموزی در محل حظیره القدس اقدام گردد. علاوه بر این از ظرفیت منازل بهائیان نیز به عنوان مراکز آموزشی - تبلیغی بهره برداری شود (همان: همانجا). سند سری دیگر ساواک و مربوط به نوزدهم فروردین ماه سال ۱۳۴۶ از برگزاری جلسه ضیافت بهائیان با حضور ۲۰۰ نفر و در محل حظیره القدس این شهر خبر می دهد^۷ [این گزارشها البته خود از اهمیت و جایگاه تشکیلات بهایی و متعاقباً نفوذ آنان در ساختار سیاسی قدرت پهلوی - به ویژه در بابل - حکایت دارد]. در جلسه مذکور ناظم جلسه از همان آغاز و با توجه به نزدیکی ماه محرم و احتمال واکنش جامعه دینی - شیعی نسبت به فعالیت بهائیان، پیام محفل ملی تهران را مبنی بر خطرات و آسیبهای پیش رو ابلاغ نمود. سپس بر برگزاری مراسم دعا و نیایش به منظور پیشرفت فرقه بهائیت تأکید گردید. در جلسه مذکور اعلان گردید با توجه به تقارن انتخاب اعضای محفل بهایی بابل با ماه محرم، این بار انتخاب اعضاء به طور خصوصی انجام شود. ۳. همچنین از برگزاری جشن رضوان (تولد باب و بهاء الله) به علت واکنشهای عمومی اجتناب گردد. ضمن آن که افراد

۳. برگزاری خصوصی انتخابات درون محفل بهایی بابل خود می تواند در تحلیل دیگر از اختلافات درونی بهائیان نیز حکایت داشته باشد. یعنی عملاً برخی از رهبران این فرقه از این فرصت پیش آمده نهایت بهره برداری را برای پیشبرد منافع خود به کار بستند.

بهائی در جلوی مساجد جمع نشوند و موقعی که دسته‌های سینه زنی رفت و آمد می‌کنند، از منزل خارج نشوند (آرشیو موسسه پژوهشهای سیاسی، سند شماره ۵/۷۱۲۵، ۱۳۴۶/۰۱/۲۳)

کسب درآمد و در حقیقت تقویت پشتوانه های مالی برای تبلیغ مذهبی در دستور کار محفل بهایی بابل قرار داشته است. در همین راستا برگزاری کنسرت در محل حظیره القدس بابل و با حضور خوانندگان عمدتاً بهایی رادیو و تلویزیون و به مدت ده روز از جمله این اقدامات محسوب می گردید. ضمناً برای درآمدزایی بیشتر بلیط این کنسرتها حتی تا چالوس و شهنسوار یا تنکابن نیز به فروش می رسید. علاوه بر این حراج تابلوهای هنری برای درآمدزایی بیشتر محفل بهایی بابل در کنار اجرای کنسرت انجام می شده است (ساکما) (سازمان اسناد ملی ایران): همانجا).

در خاتمه این مبحث لازم به ذکر است که برگزاری جلسه ای به نام «تحری حقیقت» و در سالن حظیره القدس بابل توسط محفل بهایی این شهر گزارش شده است. در این جلسه عملاً اطمینان از اعتقاد فرد نسبت به فرقه بهائیت و اصول آن مورد سنجش قرار می گرفته است. علت این امر نیز به نظر می رسد به کناره گیری برخی از رهبران این فرقه همچون احمد میلانی، آواره (آیتی) و دهها نفر دیگر معطوف بوده است (مهتدی، ۱۳۸۶: ص ۸۷).

۳. قائمشهر (شاهی)

قائمشهر یا شاهی تاریخی یکی دیگر از کانونهای جمعیتی بهائیان در عصر پهلوی بوده است. علاوه بر شواهد تاریخی، وجود مدارس بهایی در مناطقی چون چاله زمین و ساروکلا، ارطه و کفشگرکلا بر این ادعا صحنه می گذارد.

در خصوص روستاهای چاله زمین و ساروکلا گفته شده است چند نفر از اهالی این روستا در واقعه قلعه طبرسی حضور داشته اند. یکی از آنها با پیشوند «ملا» و دیگر با پیشوند «مشهدی» نام برده شده است (ثابت، ۱۹۹۷: ص ۱۲۹). ظاهراً به علت زندگی آقا میرزا ابوطالب شه میرزادی از بازماندگان قلعه طبرسی و از مبلغین فرقه بهائیت در قریه ساروکلا، وی در بهایی شدن برخی از اهالی نقش داشته است (همان: ص ۱۳۴؛ ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۱۴۰).

ارطه روستای دیگری از شاهی یا قائمشهر بود که حضور بهائیان در آن و در عصر پهلوی گزارش شده است. روستایی که در آمار گیری سال ۱۳۵۵ هجری شمسی تعداد خانوار آن ۱۵۱ و جمعیتش ۹۱۳ نفر برآورد شده است. گفته شده است تبلیغ فرقه بهائیت در این روستا توسط فردی به نام ملا علی جان صورت پذیرفته است. ضمناً آمده است که در اواخر قاجاریه اهالی روستای کوچک ارطه غالباً به شغل کشاورزی و پرورش کرم ابریشم اشتغال داشته اند. در هر صورت ارطه یکی از کانونهای مهم جمعیتی و در عین حال تبلیغی بهائیت در اواخر قاجاریه و نیز عصر پهلوی و ظاهراً دارای مدرسه ای با صبغه بهایی بوده است (ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۱۰۵).

کفشگرکلای بزرگ یکی دیگر از روستاهای شاهی بوده است که به جمعیت بهایی شهرت داشته است. ظاهراً تعدادی از اهالی آن در واقعه قلعه طبرسی حضور داشته اند. اینان بعدها اسیر سپاهیان دولتی گردیده و آنگاه به خانواده شان در قابل دریافت پول فروخته شدند. وجود محفل روحانی و نیز مدرسه ای با صبغه بهایی خود حکایت از اهمیت این روستا برای فرقه بهائی و در مازندران عصر پهلوی دارد. مدرسه مذکور که بعدها به اردیبهشت تغییر نام یافت، ظاهراً حدود هفده سال توسط محفل بهایی روستای کفشگرکلا اداره می شده است و البته اسناد تاریخی بر اعتراضات عمومی و نیز ارسال شکوائیه به مقامات حکومتی در خصوص فعالیتشان حکایت دارد. جمعیت قابل توجه بهائیان در کفشگرکلا به گونه ای بود که از آن به «قریه بابی یا بهائی» یاد می شده است. جمعیت بهائی کفشگرکلا در سال ۱۳۲۹ش، ۱۶۰۰ نفر گزارش شد (ملک خسروی نوری، ۱۳۰۰: ص ۱۳۷/۲؛ ساکما (سازمان اسناد ملی ایران)، سند شماره ۲۱۰۷ - ۲۹۷).

۴. بابلسر (بهنمیر)

بابلسر (مشهدسر تاریخی) و در راس آن منطقه بهنمیر همواره به عنوان یکی از کانونهای مهم جمعیتی بهائیان در تاریخ معاصر بوده است که خود به علل مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی-طبیعی باز می گشت. ظاهراً پیشینه ورود فرقه بهائیت به بهنمیر به دوره بهاء الله باز می گردد. گفته شده است فرقه مذکور موفق گردید چند نفر از اهالی متنفذ و متمول این منطقه را جذب نماید. احتمالاً همجواری بهنمیر با بارفروش (بابل) و زندگی و فعالیت برخی از رهبران بهایی در این شهر و در راستان قدوس در این امر بی تاثیر نبوده است. در همین راستا گفته شده است تعدادی از آنها

پیشتر در واقعه قلعه طبرسی ۴ حضور داشته و البته به ترفند امرای اعزامی تسلیم قشون قاجار گردیدند (ر.ک. به: ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۱۶۲).

در راس روستاهای بهایی نشین بهنمیر در عصر پهلوی می بایست به روستای عربخیل اشاره کرد. گر چه منابع تاریخی بهایی مدعی اند که تاسیس این روستای ذاتا جنگلی و مرتعی توسط میرزا خلیل رشتی و در دوره ناصر الدین شاه قاجار صورت پذیرفته است و یا جمعیت این روستا در عصر پهلوی عمدتاً بهایی بوده اند، لیکن نمی توان منکر تفوق جمعیتی این فرقه در این روستا شد. به نظر می رسد زندگی ملاامینا یکی از رهبران بومی فرقه در این روستا خود موجب اهمیت آن از سوی فرقه گردید. ضمن آن که تبلیغ بهائیت بیش از هر جای دیگری در دستور کار محافل محلی قرار گرفت (ر.ک. به: ملک خسروی نوری، ۱۳۰۰: صص ۱۷۲/۲). گزارش سرشماری میرزا عبدالعلی شهاب نماینده اعزامی از سوی محفل بهایی ساری و مربوط به سال ۱۳۲۰ هجری شمسی از زندگی هشتاد خانوار بهایی با جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ نفر در این روستا حکایت دارد (ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۴۲). ضمناً آمده است که در همین سال بهائیان در روستای مذکور صاحب مدرسه بوده اند که خود از اهمیت امر تبلیغ ایدئولوژی فرقه ای بر کودکان و نوجوانان و در منظومه فکری رهبران ملی و محلی آن خبر می دهد (ر.ک. به: همان: صص ۶۰-۶۱، ۷۲).

۵. نور (تاکر)

قبل از هر جایی و در خصوص کانون جمعیتی و متعاقباً فعالیت بهائیان می بایست به تاکر نور اشاره کرد. روستایی در کنار رودخانه و در قسمت کوهستانی نور که مطابق سرشماری سال ۱۳۵۵ هجری شمسی دارای ۷۰ خانوار و ۳۲۳ نفر جمعیت بوده است (ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۱۳۹). تاکر به لحاظ تاریخی روستای اجدادی بهاءالله بوده است. فلذا از منظر این فرقه دارای اهمیت و جایگاه معنوی فراوان بوده است، لذا بی علت نیست که ساخت خانه ای باشکوه با اثاث بسیار

۴. واقعه قلعه طبرسی یکی از حوادث بسیار مهم در تاریخ فرقه بابیت و بهائیت است. راینو که به مازندران و گیلان سفر کرده است، از آن و نقش مازندرانیها به عنوان از وقایع برجسته یاد کرده است (راینو، ۱۳۸۹: ص ۴۵).

عالی جهت استفاده بهاءالله به ویژه در فصل تابستان در دستور کار فرقه قرار داشته است(همان: ص ۴۴).

منابع تاریخی، تا کر را از نخستین کانونهای تبلیغ فرقه بهائیت در مازندران می دانند. ظاهراً این تبلیغات موثر بوده و برخی از سرشناسان این روستا به فرقه بهائیت درآمدند. علاوه بر این گفته شده است پس از واقعه بدشت نیز تعدادی از بهائیان به این روستا مهاجرت کردند(همان: ص ۴۵). اعزام سپاه و سرکوب بهائیان به دستور ناصرالدین شاه قاجار و پس از سوء قصد ناکام از دیگر حوادث مهم این روستا شمرده شده است. تعدادی از اهالی بهایی روستا کشته شدند، تعدادی گریختند و حدود بیست نفر نیز به تهران تبعید گردیدند. گفته شده است قشون اعزامی به فرماندهی ابوطالب خان برادرزاده صدراعظم میرزا آقاخان نوری بوده است(ر.ک. به: مومن، ۱۳۹۰: ص ۱۴۷). وجود مدرسه و نیز درمانگاهی بهایی در این روستا خود می توانسته است بر جاذبه های آن بیش از پیش بیافزاید(ر.ک. به: اعتمادالسلطنه-ناظم الممالک، ۱۳۸۵: ص ۲۱۳، ۱۷؛ فاضل-فواد، ۱۳۹۰/۲۰۱۱: ص ۲۳۲). نکته ظریف دیگر و از نفوذ بهائیان در ساختار سیاسی قدرت و در عصر پهلوی آن که در این مقطع تا کر دارای جاده آسفالت بوده است(ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۴۴)

۶. تنکابن و رامسر

تنکابن و رامسر در میان شهرهای غربی مازندران از جایگاه ویژه ای در منظر رهبران فرقه بهایی برخوردار بوده است. ظاهراً وجود تاسیسات و ابنیه دولتی و متعاقباً نفوذ سیاسی پهلویها در این منطقه خود می توانست پشتوانه مناسبی برای فعالیت بهائیان محسوب شود. ۵. منابع بهایی از جلب و جذب خاندانهای ذی نفوذ به فرقه بهائیت و حتی اعزام بهائیان از شیراز به این منطقه به دستور محافل بهایی و در جهت تبلیغ فرقه[البته به بهانه طبابت] حکایت دارند(در این خصوص ر.ک. به: مومن، ۱۳۹۰: ص ۴۳).

۵. وجود بنیاد پهلوی و احداث هتلها، کازینوها، باغات و بیمارستان در رامسر که خود زیرمجموعه تنکابن محسوب می شد، از دوره رضاخان و از سال ۱۳۱۲ هجری

شمسی رفته رفته خود موجب حضور پررنگ درباریان و اشخاص ذی نفوذ همسو با حاکمیت پهلوی در این منطقه گردید(ر.ک. به: ایقانی، ۱۳۸۰: ص ۸۲).

گفته شده اولین محفل محلی تنکابن در سالهای ۱۳۲۰-۱۳۱۹ هجری شمسی و با حضور چهره های از خاندان خلعتبری، تنکابنی و نیز چهره های نه چندان معروف تشکیل گردید. ضمن آن که اعضای محفل عمدتاً از محلات مختلف تنکابن انتخاب شده بودند (همان: ۴۳؛ مازندرانی، بی تا: ۴۹). ظاهراً بخش قابل توجهی از بهائیان این منطقه و به ویژه اعضای محفل بهایی عمدتاً از مهاجرین بودند که عمدتاً در بخش درمان و دارو فعالیت می کردند که اتفاقاً خود محمل و در حقیقت پوشش خوبی برای تبلیغ فرقه محسوب می گردید. محفل بهائیان تنکابن و رامسر تا مدت‌ها به عنوان رابط با مرکز محفل بهایی رشت و نیز نماینده آن در انجمن های محفل استان گیلان ایفای نقش می کرده است. ضمن آن که گزارش شده است برگزاری جلسات مناظره در دستور کار این محفل قرار داشته است (همان: ص ۹۷).

منابع تاریخی از فعالیت محافل بهایی تنکابن و رامسر در جذب افراد به این فرقه گواهی دارند. افرادی که عمدتاً ملاک و صاحب نفوذ اداری بودند که البته خود از نفوذ فرقه بهائیت در ارکان حکومتی پهلوی بیش از پیش پرده بر می دارد (همان: ص ۸۷).

برگزاری کلاسها و جلسات تبلیغی تربیتی برای کودکان و نوجوانان در سرلوحه محافل بهایی این منطقه قرار داشته (همان: ص ۸۲) که البته بدون واکنش نبوده است. ظاهراً از اواخر دهه چهل شمسی این واکنشها ابعاد جدیدی پیدا کرد. در راس آن علمای مذهبی منطقه علیه این فرقه و اهداف و نیات آشکار و پنهان آن بر منابر دست به افشاگری می زدند. همچنین بر در و دیوار شهر شعارهای ضد بهایی نوشته می شد. ضمن آن که تعاملات جامعه مسلمین با بهائیان دچار محدودیتهای جدی گردید. گفته شده است انجمن فدائیان اسلام در این منطقه بسیار فعال بود و هر از گاهی از شهرهای مختلف جهت مقابله با بهائیان وارد عمل می شدند (ایمانی، ۱۳۹۴: ص ۹۲). در تحلیل این امر می بایست به علل و زمینه های داخلی و خارجی تاسیس فرقه ای منشعب از اسلام و تشیع اشاره کرد. ضمن آن که بهائیت - با توجه به نقش انکارناپذیر در ارکان قدرت - یکی از جلوه ها و نمادهای حکومت پهلوی محسوب می شد؛ لذا مخالفت با آن در حقیقت نوعی واکنش

عمومی علیه رژیم پهلوی نیز محسوب می گردید(ر.ک.به: جواهری، ۱۳۹۳: ص ۴۲؛ حسینیان، ۱۳۸۲: ص ۵۷).

واکنش عمومی نسبت به فعالیتهای تبلیغی بهائیان در تنکابن و رامسر و در بحبوحه انقلاب اسلامی ابعاد جدیدتری یافت. این واکنش عمومی در قالب صدور اعلامیه مبنی بر توصیه به تغییر دین توسط بهائیان، همراهی و همسویی با نهضت امام خمینی(ره) و عدم همکاری با رژیم سلطنتی پهلوی خود را به نمایش نهاد؛ که البته تا حدودی موثر بوده است. چنانچه برخی از آنان به دین آباء و اجدادی خویش یعنی اسلام بازگشتند و ضمناً با جریان انقلاب همسو گردیدند(کریم زاده، ۱۳۹۴: ص ۹۹، ۱۰۳).

نتیجه گیری:

بهائیان پس از جدایی از بابت فعالیت خود را در جوامع شهری و روستایی مازندران به طور گسترده آغاز کرده و توانستند طرفداران و پیروان قابل توجهی را جذب نمایند. در این خصوص علاوه بر نفوذ در ارکان حکومتی پهلوی، تعامل با رؤسا و سران قبایل، ثروتمندان و افراد ذینفوذ و نیز مدیران ادارات در دستور کار قرار داشته است. تمرکز جغرافیایی و در حقیقت تمرکز تبلیغ و فعالیتشان نخست در ساری به عنوان مرکزیت مازندران بوده است. ضمن آن که بخشهای روستایی آن مورد توجه محافل بهایی قرار داشته است. بابل و یا بارفروش تاریخی هم در این مقطع مأمن گروهی از سرمایه داران با نفوذ بهائی و نیز تعداد قابل توجهی از منتسبین به فرقه بهائیت بوده است. پیشینه تاریخی این شهر در کنار عوامل سیاسی و اقتصادی خود موجب گردید تا در تاریخ فرقه بهائیت و در شمال ایران حائز اهمیت بسیار باشد. قائمشهر و یا شاهی سابق به ویژه در بخشهای روستایی آن شاهد زندگی و فعالیت فرقه بهائیت بوده است. در همین راستا وجود مراکز آموزشی متعدد متعلق به بهائیت خود از نقش آفرینی بهائیان این منطقه در سطح مازندران عصر پهلوی حکایت دارد. علاوه بر این بابلسر و یا مشهد سر تاریخی به ویژه در منطقه بهنمیر و در بخشهای روستایی بر تمرکز جغرافیایی بهائیان اشاره دارد. در نهایت نیز نور و با روستای تاکر و تنکابن تاریخی (شهرسوار) حضور و فعالیت هر چند اندک بهائیان را در تاریخ ایران عصر پهلوی

ثبت کرده است. مناطقی که با توجه به استقرار بخشی از نهادهای حکومت پهلوی، خود برخوردار از پشتوانه های سیاسی برای تبلیغ فرقه ای- مذهبی بوده است.

کتابخانه ملی ایران

دفتر اسناد و کتابخانه ملی

دفتر اسناد و کتابخانه ملی

شماره سند: ۸۵۸۵

تاریخ سند: ۱۳۸۵

موضوع: ۱۲ - گنجینه کتب خطی

شماره سند: ۳۴۱

تاریخ سند: ۱۳۸۵

موضوع: ۱۲ - گنجینه کتب خطی

موضوع: جلسه هیئت مدیره هیأت مدیران ساری

تاریخ: ۱۳۸۵/۰۲/۰۵

محل: تهران

شماره: ۱۲

موضوع: جلسه هیئت مدیره هیأت مدیران ساری

تاریخ: ۱۳۸۵/۰۲/۰۵

محل: تهران

شماره: ۱۲

با اکثریت آراء بهمت منشی جلسه انتهای شدند پس از رسمیت جلسه آقای ناجی ضمن افتتاح جلسه نطق مفصلی درباره پیشرفت امر بهائی و نتایج درخشان مهاجرت بهائیان بنقاط بکرو تبلیغ دسته جمعی و انفرادی به هر شکل که مقدور است بنقشه طرح شده از طرف بیت العدل اشاره نمودند. مهاجرت و تبلیغ را وظیفه اولیه هر بهائیس برای اجرای نقشه مزبور استند. پیشرفت امر بهائی در شهرها و روستاها را مثال زدند و تأکید نمودند که باید مقاومت کرد تا وحدت عالم انسانی را بوجود آورد پس از نطق ایشان آقای فرهنگی ضمن بیانات کوتاهی از اظهارات و ارشاد جلیل آقای ناجی تشکر نمود و سپس اسامی فرد فرد نمایندگان قرائت شد. و همگی خود را معرفی نمودند و طائیفین نیز مشخص شدند. و بعد بنحویت هر یک از نمایندگان خلاصه ای از پیشرفت کارهای انجام شده را گزارش دادند و تعهدات انجام نیاخته خود را یاد آوردی نمودند مشکلات خود را بتفصیل بیان داشتند تا در قسمت ثانیه پیشنهادات جلسه مورد رسیدگی قرار گیرد (ناموست) است اظهارات نمایندگان (مقدور شد یک نسخه از صورت جلسه تنظیمی لجنه مهاجرت و تبلیغ ساری گزارش خواهد شد که در صورت امکان ممکن است مورد استفاده قرار گیرد) جلسه در ساعت ۱۳۱۵ بعنوان تغص و صرف تها تعطیل مجدداً در ساعت ۱۴۳۰ برای بررسی بقیه کارها تشکیل گردید. نماینده مرکز ضمن یادداشت مشکلات گزارش شده تأکید کرد که همه آنها در صورت جلسه بتفکیک قید شود و اضافه نمود مادر مرکز کسائی را داریم که بتوانند این مشکلات را مرتفع نمایند. چندین کار را به پاسگاه های زاهد امری اطراف بود که یادداشت گردید و آقای ناجی ادامه دادند که در تهران کلاسهای از طرف محفل تهران تاسیس شده که وظیفه این کلاسها آماده نمودن جوانان بهائی است که داوطلب مهاجرت بنقاط بکسر هستند در این کلاسها انواع صنعت از قبیل نجاری، راد یوسازی، تعمیر یخچال و بخاری، قالسی باغی (مخصوص فن تالیانی) را آموخته و صفحات فارس فرستاده شدند و ده ای ماموریت یافتند که بنطاق ایران مسافرت نموده دقیقاً بررسی نمایند که در هر نقطه مهاجری ایران چه نوع صنایعی مورد استقبال است و این صنایع در اسرع وقت به مهاجرین بهائی آموخته شده و بنقاط مزبور فرستاده میشوند و وقتی مردم احتیاج باین عده داشتند هم در آنها اهل میشوند و هم در آنها بفرورد های مکرر محفل مساعدی برای تبلیغ بوجود می آید. آقای جهان بانوئی (برادر زن دکتر کوهی) و چند نفر دیگر آمادگی خود را برای شرکت در این کلاسها اعلام نمودند بنحی که اگر داوطلب بعد تصاب رسید این کلاسها در ساری و در غیر این صورت این افراد بتهران اعزام شوند آخر جلسه شیرو پیشنهادات تسلیم گردید جلسه در حدود ساعت ۵ بعد از ظهر تعطیل و جلسه آینده روز جمعه ۲۸ بهمن ماه موکول گردید که در شاهی تشکیل خواهد شد. آقای ناجی همراه ایشان ضمن ملاقات کوتاهی با اعضا محفل برای انجام کارهای محوله در حدود ساعت ۱۴۳۰ بکارگاران عزت و روز شنبه در بابل و بابلسرا از تشکیلات بهائیان بازید خواهند نمود.

(بسم الله الرحمن الرحیم)

مختصری از توضیح متشخص آنجا و همچنین اختلاف در پیاده‌ریختن ساکن آزاد گله صحبت نمود و پس از شور و بررسی و شرح آزاد گله باین نتیجه رسیدند که در حال حاضر باید مهاجریه آزاد گله فرستاد تا افراد آنجا تقویت شوند و چون آقای واحدی کارمند شیواستوریزه مقیم ماهفروجک اظهار تمایل نمود و بود که بتوان مهاجریه آزاد گله کوچ نماید طبق تصمیم جلسه به آقای کشمیری ماموریت داده شد که با آقای واحدی ملاقات و ترتیب سکونت تأمین نماید و راز آزاد گله بدهد و نیز فرار شد آقای کشمیری در مورد خرید زمین و ساختمان محل سکونت با آقای بینائی پدر هوشنگ بینائی که نمایندگی مالک آزاد گله میباشند تماس بگیرد و در مورد دعوتنامه های نمایندگان جلسه ۲۲ ی و معرفی نامه داوطلبان مسافرت تشویقی و سرکشی که در جلسه ۲۲ ی ترتیب آن داده شده بود مثنی جلسه ضمن ارائه صورتی متذکر شد که دعوتنامه ها فرستاده شد ولی چون معرفی نامه های باید ماشین میشد متن و غیر آن تهیه و تحویل خانم ایمانی گردید و تا چند روز دیگر نامه ها خواهد شد سپس نامه های رسیده قرائت شد این نامه ها که از احمد آباد و ماهفروجک رسیده بود در مورد داوطلبین مهاجرت بود پس از بحث راجع باین تقاضا ها بررسی نقاط مهاجرت نامه ای به شاهی و احمد آباد نوشته و جلسه در ساعت ۱۸:۵۰ ختم و جلسه آینده به ساعت ۱۷:۰۰ روز ۲ شنبه ۱۰ دیماه در منزل آقای حبیبی واقع در کوچه راه آهن موقوف گردید. فوراً نظریه رهبر عملیات: متن گزارش مامور صحیح بنظر میرسد ضمناً یک جلد کتاب اخبار امری شماره ۷ مربوط به مهرماه سال جاری در مورد بین بهائی نیز وسیله مامور تحویل گردید.

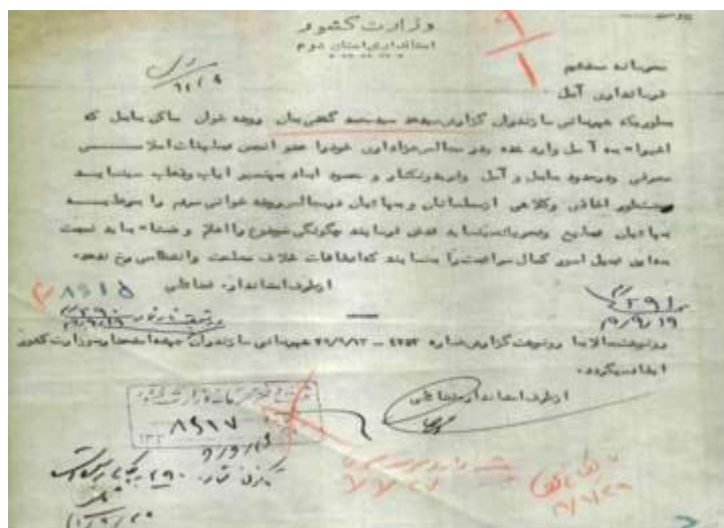
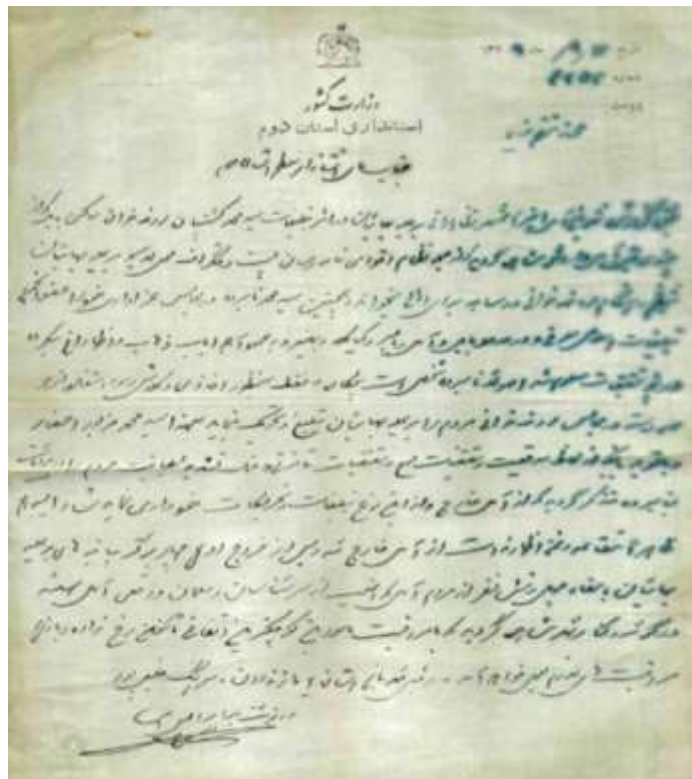
۲- توجه آن اداره کل را به صفحه ۳۴ کتاب فوق الذکور مورد قید کلمه (بهائی) در اوراق سرشماری معذوقه ایدارد

سری

... از این جهت که ...
 ... ای از ریاست جمهوری هند و وزیر فرهنگ هند که گفته بود چون دیانت بهائی باید از سیاست
 ... بهائیات هستم نمیتوانم بهائی باشم وگرنه از دل و جان دیانت بهائی و شریعت بهائیت
 ... ریاست محفل ملی جهت امر مهم تبلیغ رایبان داشته آنگاه آقای منشی فرمودند چون من عضو
 ... به ۲ هستم و جمعه پیش با اعضا تبلیغی ناحیه ۲ در گنبد بودم آن هیئت پیش از پیش قدم
 ... در گنبد یکی از سرشناسترین ترکمن را بهائی کردند و آن شیخ ترکمن در جلسه با تلاوت مناجات
 ... اعضا راه گریه انداخت و سپس شیخ ترکمن با همان لباس و عمامه ظاهر شدند و بیان داشتند
 ... ن بنارزم و همه آنها را بهائی کنم منشی اضافه کردند شما وظیفه سنگینی دارید و نسبت با یفا
 ... سال تبلیغ است شما یک تلگراف فوری رسید بود چون در حیفاکتفرانس تشکیل میگردد
 ... شد که بهائیان میتوانند جهت شرکت در جلسه بعد از ۶ روز در حیفاکتفرانس کسانیکه تمایل
 ... حیفاکتفرانس البته مدتها روز را دعوت شام و نهار میدهد محفل حیفایا بیت العدل اعظم
 ... از فرانسه وسیله آقای دکتر جهانپخش خبر رسید که جلسات بطور قطعی در پاریس برگزار میشود و
 ... است و در مجله کثیرا لا انتشار آنجا سخنان حضرت بهاء الله درج میگردد و از راه و آنجا هم
 ... بخش میگردد
 ... بطوریکه از هند وستان اطلاع رسید آقای علی اکبر فروتن مبلغ پیام بهائی در آنجا پاریس جمعی
 ... بنین مملووات آنجا مباحثه ای گردید و شریعت بهائیت را آنجا تشریح کردند که پیش از حد
 ... بهارم. لجنه تبلیغ و مهاجرت برنامه ای طرح کرده تا تصویب محفل برسد و آن این بود که
 ... تحریر حقیقت در رسالین حصیه القدس بایل تشکیل دهد و بعد از آن مسلمانان که نام آنها قیام
 ... میتوانند در جلسه تحریر حقیقت شرکت کنند دعوت شود ضمناً سخنران جلسه قرار است آقای
 ... جم. تصویب شد هفته ای یک ساعت محفل با لجنه تبلیغ و مهاجرت با هم تشکیل جلسه دهند
 ... بی خود راحل نمایند
 ... شم. تصویب شد که در بهائیت پیگاری با پیسواد ی تشکیل دهند تا بین بهائیان کسانیکه سوا
 ...



طبقه بندی حفاظتی	درجه فوریت
۸ - شماره گزارش: ۷۱۲۵ ۹ - تاریخ گزارش: ۹۴/۱/۲۴ ۱۰ - پیوست: ۱۱ - ملاحظات حفاظتی: ۱۲ - گیرندگان خبر:	صفحه شماره: ۱ از ۱ صفحه نسخه شماره: ۱ از ۱ نسخه ۱ - به: ۳۴۱ ۲ - از: ۲۴ ۳ - منشأ: محفل روحانی بهائیان بابل ۴ - منبع: ۷۸۵ ۵ - تاریخ وقوع: ۱۳۹۹/۱/۲۶ ۶ - تاریخ رسیدن خبر به منبع: ۱۳۹۹/۱/۲۶ ۷ - تاریخ رسیدن خبر به مرکز عملیات محل: ۱۳۹۹/۱/۲۶
موضوع: جلسه ضیافت بهائیان بابل عناوین: ۱۳۹۹/۱/۲۶ - ۴۸ - ۱۰ - ۴۰ ساعت: ۱۳۹۹ مورخه ۱۳۹۹/۱/۲۶ اولین جلسه ضیافت بهائیان بابل در سال ۱۳۹۹ در سالن حسینقلی قدس بابل واقع در لرمحل با حضور قریب ۲۰ نفر تشکیل گردید و نتیجه مذاکرات بدین شرح است: ۱- ناظم جلسه اظهار داشت طبق دستور اکید محفل ملی بهائیان تهران چون تظاهراتی در بعضی از شهرستانها جهت ازیت و آزار بهائیان مشاهده گردید و ضمناً چون ماه محرم نزدیک است و امکان آن میسرود که نسبت به بهائیان بی احترامی و هتک حرمت گردد لذا باید در اولین جلسه ضیافت دعا و نیایش کلیه بهائیان بمنظور پیشرفت امراله و سرافرازان برگذار گردد ۲- مناجاتی وسیله خانم فرخ ابقانی تلاوت شد سپس لوح احمد (بقللم باب که در موقع گرفتاریهای شدیدی و جهت رفع خطر خوانده میشود) وسیله آقای ناصر تاشان خوانده شد ۳- لوحی از خانم شکوه رضائی گوینده رادیوکه در نوازش صوت ضبط شده بود خوانده شد ۴- لوح دیگری از شوقی وسیله بهرام بهاری خوانده شد و سپس مناجات پامان ضیافت وسیله آقای عین الله ابقانی تلاوت گردید ۵- آقای خوشنگ بهاری اعلام نمود از محفل ملی دستور رسیده که اخذ آرا جهت تعیین اعضا محفل روحانی که هر سال در عهد رضوان که اول الی دوازدهم اردیبهشت انجام میگردد ارسال بعمل فرارسیدن ماه محرم در هشتم اردیبهشت بطور خصوصی انجام گردد و همچنین در روز اول و دوم محرم که منادف با تولد باب و بها اله است جشنی برگذار نمیشود و دستور صادر شده که تفریج مورد نظر را حق تشکیل جلسه ندارند ضمناً توصیه گردید که افراد بهائی به هیچوجه در جلوسا جدم جمع نشوند و در مواقعی که دسته های سینه زنی رفت و آمد مینمایند نباید از منزل بیرون بیایند تا هتک احترام نگردد. این جلسه فقط به خاطر دعا و نیایش برگزار گردید و ناظم جلسه اعضا نموده که در دنیا بیست و شش هزار محفل و جمعیت در نقاط مختلف تشکیل میگردد و روز بروز دامنه این امر در گسترش است.	
۲۱۸۰۳۹ ۲۲۱ طبقه بندی حفاظتی	۲۲۱ ۱/۲۴



منابع

۱. آرشیو موسسه پژوهشهای سیاسی، سند شماره ۶۰۸۶/ه، ۱۳۴۵/۱۰/۰۷.
۲. -----، سند شماره ۱۰۵۳۱/ه، ۱۳۴۶/۱۰/۲۰.
۳. -----، سند شماره ۷۱۲۵/ه، ۱۳۴۶/۱۰/۲۳.
۴. آیتی، عبدالحسین. (۱۳۴۲/ق/۱۹۲۳م). الکواکب الدریه فی مائر البهائیه، قاهره: سعادت.
۵. ارباب، فروغ. (۱۹۹۹). اختران تابان، ج ۱، دهلی نو: مرآت.
۶. اعتماد السلطنه، محمد حسن خان- آقا میرزا فضل الله ناظم الممالک. (۲۰۰۷/۱۳۸۶). بهائیان نور مازندران، به تصحیح هارون وهومن، آمریکا: شرکت کتاب.
۷. رابینو، ه.ل. (۱۳۸۹). ولایت دارالمرز ایران: گیلان، ترجمه جعفر خمami زاده، رشت: انتشارات طاعتی.
۸. ساکما (آرشیو سازمان اسناد ملی ایران)، سند شماره ۳۳۰۵/۳۲۴۷۴/۸۴۸/۳، ۱۳۲۹/۰۹/۲۳.
۹. -----، سند شماره ۸۰۳۷۳۴۱-۲۹۷.
۱۰. -----، سند شماره ۲۱۰۷ - ۲۹۷.
۱۱. مهتدی، فضل الله. (۱۳۴۴). خاطرات صبحی درباره بهایی گری، تبریز: بی نا.
۱۲. مآخذ
۱۳. ایقانی، شقایق. (۱۳۸۰). تاریخچه مدارس بهایی مازندران، بی جا: موسسه معارف عالی امر.
۱۴. ثابت، عباس. (۱۹۹۷). تاریخچه مدرسه تربیت بنین، دهلی نو: انتشارات مرآت.
۱۵. جواهری، میکائیل. (۱۳۹۳). بهائیت پاد جنبش حیات ملت ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.
۱۶. حسینیان، روح الله. (۱۳۸۲). سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، تهران: اسناد انقلاب اسلامی.
۱۷. فاضل، سینا- مینو فوادی. (۲۰۱۱/۱۳۹۰). «ابتکارهای بهداشتی بهائیان در ایران: یک بررسی مقدماتی»، بهائیان ایران؛ پژوهشهای تاریخی - جامعه شناختی، سوئد: باران.
۱۸. فرشایف ابریشمی، فرشاد. (۱۳۹۷). مازندران قدیم، ترجمه رعنا خزایی، تهران: خانه تاریخ و تصویر ابریشمی.
۱۹. مومن، موژان. (۲۰۱۱/۱۳۹۰). «مدارس بهائی در ایران»، بهائیان ایران؛ پژوهشهای تاریخی - جامعه شناختی، گردآورندگان دومینیک پرویز بروکشا- سینا فاضل، ترجمه عرفان ثابتی، سوئد: باران.
۲۰. کریم زاده، حسین. (۱۳۹۴). «تاریخچه ی آموزش و پرورش شاهی شهر»، قائمشهر قطب صنعت مازندران، تهران: نشر چشمه.
۲۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی (۱۳۹۷)، انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک استان مازندران، ج ۱، ۲ و ۵، تهران: انتشارات مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
۲۲. ملک خسروی نوری، محمدعلی. (۱۳۰۰). تاریخ شهدای امر، ج ۲، تهران: موسسه ملی مطبوعات امری.
۲۳. مولف گمنام. (بی تا). رساله تاریخ جغرافیای ایول، بی جا: بی نا.